

## بررسی جایگاه عرفانی آیت .. محمد حسن هردنگی در مبحث فکر بر اساس سروده فکر کن تا فکر تو ذکر آورد صد هزاران نکته بکر آورد

حمیده جلیلی<sup>۱</sup>، کمال غوث<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی و مدرس دانشگاه فرهنگیان بیرجند

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

### چکیده

فکر و ذکر از مباحث مهم عرفان اسلامی به شمار می روند که در هر دو سنت عرفانی جایگاه ویژه ای در سیر استکمالی سالکان دارند. در سنت اول عرفانی بخشی از آرای عارفان در باب فکر و ذکر به تبیین هر یک از آن ها و بیان جایگاه و اهمیتشان در سیر و سلوک اختصاص یافته و بخش دیگری از دیدگاه ها رابطه فکر و ذکر و نحوه تعاملشان با یکدیگر را شرح و تبیین کرده است. اگرچه برخی عارفان سنت اول به مانند جناب عطار نیشابوری ذکر را برتر از فکر دانسته و تجلی این دیدگاهش را در بیت ذکر باید گفت تا فکر آورد \*\*\* صد هزاران معنی بکر آورد (عطار، ۱۳۸۵) بیان کرده ولی برخی از عرفای دیگر همچون آیت .. محمد حسن هردنگی فکر در مبدا و معاد را برتر از ذکر دانسته و این نظر را در یکی از سروده هایش با مضمون فکر کن تا فکر تو ذکر آورد \*\*\* صد هزاران نکته بکر آورد، بیان می دارد. این مقاله بر آن است که اهمیت و جایگاه فکر را از نظر این فقیه عارف با تطبیق بر نظرات برخی عرفای دیگر مورد بررسی قرار دهد.

واژه های کلیدی: عرفان، هردنگی، فکر، ذکر، عطار نیشابوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه :

سالک در سیر استکمالی منازل از سلوک را پشت سر می گذارد و به مقصود دست می یابد. گرچه در طرح منازل سیر و سلوک و تعداد و ترتیب آن ها همچنین در مقامات و احوال عرفانی بین عرفا اختلاف نظر وجود دارد ولی برخی از موضوعات یا ابزارهای سلوک از سوی بیشتر آن ها تأیید و تبیین شده است. از جمله این موضوعات یکی فکر است که به عنوان رکنی از سلوک به سالکان توصیه شده و دیگری ذکر است که معمولاً به عنوان ابزاری برای رسیدن به حال اطمینان در کانون توجه عرفا قرار گرفته است. در نظر همه عرفای سنت اول از جمله جناب عطار ذکر را ابزاری بسیار قوی تر برای سیر و سلوک شمرده اند؛ در حالیکه در نظر آیت ا... محمد حسن هردنگی فکر در مبدا و معاد ابزاری بسیار قوی تر برای سیر و سلوک شمرده شده است. این مقاله بر آن است که اهمیت و جایگاه فکر را در تفکرات آخوند هردنگی به زبان خودش که خود از فقها و عرفای به نام خراسان در قرن ۱۳ هجری بوده است با تطبیق بر نظر سایر عرفای متاخر، مورد بررسی قرار دهد.

## ملا محمد حسن هردنگی :

محمدحسن بن محمد رفیع بن حاجی علی بن کربلایی حسن قیس آبادی فقیه، عارف، حکیم و متکلم مشهور قهستانی که از عمده علماء و فقهاء منطقه خراسان بوده و شخصیت علمی آن مرحوم بر احدی از دانشمندان آم عصر پوشیده نبوده و فضاء وقت از محضر درس وی تلمذ و با عنوان برجسته ترین شخصیت های علمی او را معرفی می نموده اند (راشد، ۱۳۴۲ و غوث، ۱۳۹۱). او در سال ۱۲۶۳ هجری قمری (راشد، ۱۳۳۶) در قریه مبادی از توابع هردنگ قیس آباد متولد شد و در ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۷ قمری پس از یک عمر زندگی شرافتمندانه به رحمت ایزدی پیوست و آرامگاهش هم اکنون در قبرستان عمومی دهکده مزبور بر فراز تلی باقیست (عباسلو و همکاران، ۱۳۹۲). اولین مربیان او حاجی ملا علی جدش و پدرش ملا محمد رفیع می باشند. پدرش مردی دانشمند و مجتهد بوده و در زادگاه خود که همان روستای مبادی می باشد به ارشاد محصلین علوم دینی اشتغال داشته و آخوند مقدمات صرف و نحو و قسمتی از فقه و اصول را نزد ایشان خوانده است (علیزاده بیرجندی ۱ و همکاران، ۱۳۹۲). وی مدتی بعد نزد علمای مشهور مشهد همچون آیت ا... محمد رحیم بروجردی و علامه یزدی تلمذ کرد و به کسب اجازه اجتهاد از آنها نائل آمد و و ختم تلمذ وی در این زمان به عالم عامل و فقیه کامل، آقا سید ابوطالب حسینی مجتهد قاینی از مراجع عظام در خراسان گردید (راشد، ۱۳۳۶). تخصص آن مرحوم در فقه و اصول و دارای مرتبه اجتهاد بوده. و در صرف و نحو عربی، لغت، معانی بیان، بدیع، عروض، منطق، تفسیر، کلام، حدیث، رجال و درایه نیز استاد بوده است، علاوه بر اینها در فلسفه، حساب، جبر، مقابله و .. هندسه و هیات قدیم دست داشته و تدریس می نموده است. او بر اساس اسناد موجود مدت ۴۲ سال به عنوان حاکم شرع یکی از بلوکهای ۹ گانه قهستان و بر اساس دو حکم موجود از حضرت آیت ا... العظمی سید اسماعیل صدر الموسوی، مدت ۲ سال حاکم شرع و از سال ۱۲۸۶ قمری تا زمان فوتش، دارای نوعی نظارت بر مسایل شرعی قاینات بوده است (راشد، ۱۳۹۲ و علیزاده، ۱۳۹۱). در سال ۱۲۸۵ قمری تحصیلش تمام شده و در سال ۱۲۸۶ قمری اجازه اجتهاد را از اساتید دریافت می کند. او در هنگام اقامت در بیرجند و قاین نیز جلسات درسی داشته و بعد از فوت استادش در سال ۱۲۹۳ قمری تا زمان رحلتش به مدت ۳۴ سال پس از آن مرحوم در شهر بیرجند و قاین به امر تدریس اشتغال ورزید و عده ای از افاضل قاینات که خود مجتهد بوده از محضرش که حوزه های متعدد درسی داشته است، استفاده می نموده و غالباً از شاگردان مرحوم آخوند بوده اند (راشد، ۱۳۴۲ و غوث، ۱۳۹۷) که از آنها می توان حضرات آیات شیخ محمد بن عبدالحسین قاینی، نجف بن علی اکبر

بیرجندی، محمد حسین قاینی کاخکی، محمد باقر بیرجندی، شیخ محمد قاینی، سید حسن فقیه، شیخ محمد موحد عرب، سید محمد رضا صامتی، سید حسن تهامی و محمد هادی مجتهد را نام برد. قدرت بیان او ضرب المثل و استادی وی در علم کلام باعث شد تا بنا به درخواست علمای وقت، رساله اعتقادات آقا سید ابوطالب قاینی توسط آخوند در زمان حیات آقا سید ابوطالب و با اجازه ایشان، به رشته تحریر در آمده و تشریح شود (غوث، ۱۳۹۷). آیت الله هردنگی کسی بود که در تقوی و تهذیب نفس موصوف و در سرآمدی علم در بین علماء معروف بود، آنچنانکه آیت ا. سید اسماعیل صدر نیز وی را علامه عامل مهذب کامل و صدر علماء عامل می نامد. در اواخر عمر با همه بزرگی و احترامی که در بین خواص و عوام داشت امکان خریداری حیوانی همچون الاغ نیز برای وی مهیا نبوده است که این نشان از زهد فراوان و ساده زیستی وی داشت.

#### شهرت اصلی آخوند به چند دلیل بوده است :

- مناظره وی با آقا سید مرتضی یزدی مشهور به شیخ مرتضی که از فحول علمای آن زمان حوزه علمیه مشهد بوده در حضور علماء و امراء قهستان که با تیزبینی خاصی برخی از نظرات خود در فقه و کلام را بر او اثبات و برخی از نظرات وی در فقه و کلام را رد و وی را مجاب می کند (راشد، ۱۳۳۶) (شیخ محمد باقر گزاری از شیخ مرتضی به عنوان علامه و یکی از اساتید خود در مشهد یاد می کند).

- محاوره وی با قاضی القضاات هرات و مفتی این شهر مشهور به شمس الدین فاضل هروی در روز عید غدیر در شهر هرات در حدود سال ۱۲۸۶ قمری که موضوع جانشینی حضرت علی (ع) بعد از پیامبر را اثبات و وی را در حضور علمای حاضر مجاب می نماید (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۶).

- نفوذ شرعی و سیاسی وی در کلیه قاینات در بین خواص و عوام و تدریس وی در حوزه های علمیه بیرجند و قاینات اینکه هر چند اقامت نامبرده در هردنگ بوده ولی بدلیل تسلطش بر علوم مختلف حوزوی همیشه برای شرکت در مجالس بحث از او دعوت می شده است و در یکی از همین محافل بوده که با ملا ابراهیم گزیکلی که علمای بیرجند را در مقابل خود عاجز نموده بود مجاب و عقابندش را که بر پایه صحیح استوار نبوده رد کرده است (راشد، ۱۳۴۲، راشد، ۱۳۴۵ و غوث، ۱۳۹۷).

- احیاء کننده موقوفات و احداث بقاع متبرکه ای چون مزار سیدنا الحسین عربخانه در قاینات

- وقف بیش از ۵ ملک بر عزاداری، تحصیل مردم و....

- رسیدگی به امورات مالیاتی و وقفیات قاینات به تعداد ۱۰۰۰ مورد بر اساس اسناد موجود

در ادامه برخی از نظرات فقهی، کلامی، فلسفی و عرفانی آخوند هردنگی بیان می شود تا ضمن آشنایی بیشتر خوانندگان با دیدگاههای وی، محققین نیز در هر یک از این مباحث دست به قلم برده و مقاله ای هر چند کوتاه در این خصوص تالیف نمایند.

#### برخی نظرات فقهی، کلامی، فلسفی و عرفانی آخوند :

- اصل کشف و شهود معقول و واقع است در معرفت خداوند

- هر صفتی از صفات که در ممکن به کیفیتی است در واجب آن صفت به آن کیفیت منتهی است و چون که علم در ممکنات حصولی است پس باید علم در واجب به این معنی نباشد و در نتیجه علم حصولی در واجب تعالی راهی ندارد

- مقام تفصیل قدر مقام انشراح و وضوح است و مقام اجمال مقام ابهام و اخفاء چون اسماء... توقیفی است اطلاق آنها بر... روا نباشد
- معاد از ضروریات وابسته به اصول است و اصول بر ۲ است یکی توحید و دیگری نبوت
- قطع از مباحث اصول است نه مباحث کلام
- این حقیر استحضار کرده ام که عدد در ... یحبهم و یحبونه... ۱۲ است. پس باید عدد خلفاء ۱۲ باشد و چون در این آیه عدد این کلمات ۱۲ است و این کلمات حدا.. است، پس تعدی از ائمه نباید کرد چرا که ائمه حدا.. است
- تقلید از معارف معرفت نیست بلکه فریب شیطان است
- در باب مقام امیت انسان هر کس به قدر همان استعدادی که دارد و قوه که دارد مکلف است در پیشگاه خداوند
- در باب دلایل تجرد نفس می گویم اول بودن علم نفس به خودش حضوری اشراقی نه فعلی است و.....
- مراتب شناخت معرفت بر ۴ است : تقلید، علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین
- براهین کلامیه که در معرفت ذکر شده فایده ای جز اسکات خصم معاند ندارد. این ادله مفید اطمینان قلبی نیست به طریقی که مستقر بلکه اعتقاد حاصل از این نحو ادله کلامیه اگر منضم به حیثیات ادله آیات آفاق و انفس نشود مفید اطمینان و ایمان مستودع است نه مستقر
- شر راجع است به نیت ظلمانیه ماهیت بنابراین موجود شر به خلق تبعی است و به معنی غیبت یا عدم حضور خیر است.
- خداوند خالق شر است به خلق تبعی
- تعلیق در علم نیست بلکه در ذات معلوم است و این تعلیقی که در علم تصور می شود از باب تبعیت معلوم است.
- قیاس بر اثبات نبوت چنین است : محمد (ص) مدعی نبوت و صاحب معجزه بود، هر مدعی نبوت صاحب معجزه ای بر حق و صادق است پس محمد (ص) بر حق و صادق بود
- گمان حقیر نسبت به حقایق موجوده خارجیه صدق عدم مشکل است بلکه تلاشی و اضمحلال حاصل می شود و این معنی عدم نیست
- سوال قبر از مومن محض و کافر محض ضروری مذهب بلکه دین است
- سلام کردن بر ائمه (ع) از دور و نزدیک سیره مومنین و وسیله نجات یوم الدین است

- سیر هر کس در سرعت و کیفیت طی صراط آخرت به اندازه سیر اوست در صراط دنیا
- می گویم که ایمان ولایت و محبت کامل است از برای ائمه اطهار که مندرج است در او توحید و نبوت با توابع
- اینکه جمع کثیری از فقهاء به صحت صلوه یا عبادتی دیگر که طمعا فی الجنه یا خوفا من النار به جا آورده شود و این را منافی با قربت ندانسته اند بلکه با اخلاص سازگار دانسته اند اگر به تحقیق بنگری یک مرتبه از شرک خفی است
- در خصوص اینکه امام و پیشوا بر مردم واجب است می گویم نصب امام لطف است، لطف بر خدا واجب است پس نصب امام بر خدا واجب است
- هر معصومی احق به متابعت است از غیر خود و چون احق به متابعت شد قول او حجت شد و این لازمه مرتبه امامت و خلافت است و...
- درباره احادیثی که برخی علماء نسبت ضعف به آن داده اند و گاهی می گویند شبیه است به اضغاث احلام صوفیه می گویم که اشتها حدیث بین طایفه و دلالت احادیث دیگر بر صحت مضمون حدیث کفایت می کند موونه ضعف حدیث مدنظر را.
- مشابهت و واجب تعالی در مجرد از ماده با اینکه ۲ مجرد با هم فرق می کند موجب مماثلت در ماهیت نیست که مفسده ان لازم آید زیرا که مشارکت در قضیه سلبیه است نه ثبوتیه.
- اما ایمان معنوی و حقیقی آن است که مجتمع باشد در او اقرار لسانی و تصدیق قلبی عن حقیقه و از شفاف قلب و عمل ارکانی هم؛ مگر اینکه مانعی باشد که باعث انکار شود، که قاذح در ایمان نخواهد بود.
- ذکر و فکر در اسلام :**
- اسلام دین عقل، فکر، شعور، تدبر و تذکر است. اصول دین در اسلام «تحقیقی» است و نه تقلیدی و ارزش معرفت (شناخت) بالاترین ارزشها است و عمل با فکر، چه عبادت متعارف باشد و چه تلاش برای معیشت و زندگی روزمره، ارزش والاتری از عمل بدون فکر، از روی عادت، از روی جهالت، از روی تعصب، از روی خواهشهای نفسانی و ... دارد. خوب است ابتدا به معنای «عبادت» فکر کنیم. عبادت به مفهوم نماز، روزه، حج ... یا سایر اعمال نیست، بلکه اینها همه از مصادیق عبادت معبودی چون «رب العالمین» می باشد.
- عبادت یعنی «بندگی» و بندگی نیز «وابستگی صرف» یا نهایت وابستگی است. لذا هر انسانی از آن جهت که ناقص است، نیازمند و عاشق کمال نیز هست. پس، حرکت و تلاش می کند تا به کمال نزدیک و نزدیک تر گردد. و کمال نیز حدود و ثغوری ندارد و محدود نیست و الله جلّ جلاله هستی و کمال محض است. به این تلاش برای قرب معبود می گویند: «عبادت». خواه هدف «الله جلّ جلاله» یا خدایی ناکرده، غیر او.

الف - اگر چه معبود حقیقی و واقعی یکی است، اما انسان‌ها گاه مصادیقی از مخلوقات مانند: «بت، حیوانات، علم، شهوات، هوای نفس و ...» را معبود می‌گیرند و به عبادت آن مشغول می‌شوند. بدیهی است هر معبودی، عبادت خاص خود را دارد. چرا که رسیدن به هر هدفی به عنوان کمال، راه ویژه‌ای دارد. مثلاً اگر معبود کسی «شهوت جنسی» اش شده، عبادت چنین معبودی فقط تلاش برای ارضای غزایز است و اگر معبود کسی ثروت یا قدرت شد، عبادتش نیز همان تلاش برای کسب ثروت و قدرت می‌باشد. اما اگر معبود کسی، الله جل جلاله بود، عبادت او، شناخت، تسلیم و اطاعت خواهد بود. و به طور کلی رهایی از شرک و رسیدن توحید همه مبتنی بر «تفکر» است و اساساً این «تفکر» است که مانع از اتخاذ معبودهای کاذب و معرفت و عبادت معبود واقعی می‌گردد. بدن انسان حرکتی دارد که مبین نیازها و خواسته های اوست زبان انسان نیز تحرکاتی داشته و درون را در غالب کلمه و جمله آشکار می‌سازد، اما هر دو باید بر اساس «تفکر» عمل کنند. و این روح است که وابستگی پیدا می‌کند و بدن و زبان را به دنبال می‌کشد، و روح نیز به وسیله تفکر هدف‌گذاری می‌نماید. لذا عبادت فکری، بسیار والاتر و زیربنایی‌تر از عبادت بدنی یا زبانی خواهد بود، چرا که عبادت روح است.

ب - خوب است انسانی که در این عالم گسترده و جهان‌پهن‌آور زندگی می‌کند، به «صنع» خدا و چگونگی آفرینش فکر کند. خوب است به مبدأ و معاد خود فکر کند - امیرالمؤمنین (ع) بدین مضمون فرمود که خدا رحمت کند کسی را که فهمید از کجا آمده در کجا هست و به کجا می‌رود؟ خوب انسان به اهداف خُرد و کلان خود در هر کاری و روش رسیدن به آنها فکر کند به چگونگی تعامل با دیگران فکر کند به علل گرفتاری‌ها، شکست‌ها، ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی‌اش و چگونگی رفع آنها فکر کند، به دوست شناسی و دشمن‌شناسی (تولی و تبری) فکر کند و ... اینها همه عباداتی است که ارزش یک ساعت آن بیش از یک‌سال، هفتاد سال و یا یک عمر است، چرا که تعیین‌کننده، جهت‌دهنده و سازنده‌ی شخصیت فردی و اجتماعی بشر است. و البته تردیدی نیست که وقتی سایر عبادات متعارف چون نماز، روزه، امر به معروف و نهی از منکر و ... نیز با «تفکر» انجام پذیرد، والاترین ارزش و اثر را دارد.

#### آخوند هردنگی در این خصوص می‌گوید :

اعتبارات و براهین عقلیه نیز بر این مطلب شاهد و قایلیم است. خوب نیک تامل کن برای آنکس که موحد نیست و اعتقادی به خداوند بزرگ ندارد و ذکر نمی‌داند چه ممکن است ذکر او باشد آیا جز تفکر در آفرینش خدا ذکر دیگری دارد. دقت کن که حتی دستیابی به علوم تجربی نیز نتیجه «تفکر» در صنع خداوند متعال است ..... برای آنکه هر کس تأمل کند می‌بیند و می‌فهمد بلکه محسوس و مشهود است که افهام مردم مختلف است بلکه یک نفر به حسب احوالی که بر او عارض می‌شود در هر زمانی {پایه ای} از ادراک دارد به حدی که هر روزی چیزی می‌فهمد که روز سابق نمی‌دانست. پر واضح است که این امر که خداوند عالم در جیلت هر کسی قرار داد، فرموده به مضمون قل کل يعمل علی شاکلته.... و کل میسر لما خلق له. غیر این دو از آیات و اخبار لغو و عبث نباید باشد بلکه حکمتی و مقصودی و علت‌هایی در او است(هردنگی، ۱۳۰۲ ق).

#### فکر :

اهمیت و جایگاه فکر در سنت اول عرفانی معمولاً با تکیه روایات است. بدان جهت که همه اعمال سالک از فکر وی سرچشمه می‌گیرد، عرفا برای فکر اهمیت بسیاری قائل اند. غزالی این موضوع را چنین شرح می‌دهد :

اما ثمرهٔ فکرت علم هاست و حال ها و عمل ها ولیکن ثمرهٔ آن خاصه علم است نه غیر. آری، چون علم در دل حاصل شد، حال دل بگردد، و چون حال دل گردید، اعمال جوارح بگردد. پس عمل تابع حال است، و حال تابع علم است، و علم تابع فکرت است. پس اکنون فکرت مبدأ و مفتاح همهٔ خیرات است (غزالی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۷۵).

دیدگاه عرفا در باب فکر به عنوان یکی از مباحث عرفانی، بر محور دو موضوع قابل بررسی است (رئسی، ۱۳۹۴):

۱- محل فکر کجاست؟ ۲- موضوع فکر چیست؟

۱- محل فکر: بر اساس محل فکر می توان آن را به دو دسته تقسیم بندی کرد.

الف) فکری که محل آن سر است.

این فکر به معنی اندیشه و تأمل است. فکر در این کاربرد بین عرفان و سایر علوم مشترک است. کاربرد این نوع از فکر در متون عرفانی بسیار وسیع و پر بسامد است.

ب) فکری که محل آن دل است یعنی فکری که عمل دل است و از عمق وجودی شخص سرچشمه می گیرد.

**آخوند هردنگی در این خصوص می گوید:**

از الذ لذات عقلیه نظر در معارف است و برخوردگی به سر مبدا و معاد که برخورد که از کجاست و به کجا می رود. این مطلب بر کسی که پایه ای از فهم داشته باشد کمال وضوح دارد. کما قال تعالی: ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لاولی الالباب. ملاحظه فرما که چقدر تعریف تفکر و تعقل می فرماید. جای دیگر حضرت فیلسوف عقلها (ص) می فرماید: تفکر ساعه خیر من عباده سنه و در بعضی اخبار من عباده سبعین سنه. این فکری که برابری با اینقدر از عبادت کند نمی تواند بود مگر در مبدا و معاد چه غیر این دو این قابلیت را ندارد که برابری با اینقدر از عبادات کند. مجملا کسی را که که قریحه صافیه باشد این مطلب نزد او ظهور کمال دارد و نیز معلوم است که تقلید، فکر و تأمل در او نیست بلکه محض این است که فلانی گفته من هم گفتم (هردنگی، ۱۳۰۲ ق).

از برخی اشعار آخوند این موضوع که برای درک خداوند نیاز به تفکر در خود و خودشناسی و خودشنکی وجود دارد نیز درک می شود تا بر اساس آن بتوان لایه های مختلف مادی را درنوردید و سپس در مرحله معرفت ورود کرد تا به مرحله خداشناسی واقعی دست یافت:

تا که از خود نگذری نیک رای \*\*\* کی توانی کرد دیدار خدای

رو تو روحانی شو و اسرار بین \*\*\* یار خود در پرده اغیار بین

معرفت باشد حجاب معرفت \*\*\* زین سبب دیگر نگویم منقبت

هم خود او مقصود باشد هم دلیل \*\*\* هم بود محبوب و هم آمد دلیل

هر که را شد اشتیاق وصل یار \*\*\* بایدش با شعله دائم گشت یار

در شرایین و عروق جان من \*\*\* نیست غیر از جلوه جانان من

در اهمیت فکر همین بس که در بیش از ۳۰۰ آیه و صدها روایت با عبارات گوناگون بر آن تأکید شده است. فکر در سلوک، محصول ذکر و برتر از آن است و به همین جهت پس از آن برای سالک پیدا می شود و نسبت به ذکر، دیرتر از طرف استاد تغییر می کند (رضایی، ۱۳۹۳). به نظر این خاکسار، کلمهٔ فکر و مشتقاتش در روایات گاه به معنای مراقبت و فکر سلوکی به کار رفته است، مثلاً دربارهٔ ابوذر نقل شده: بیشترین عبادت ابوذر تفکر بود. اینجا تفکر به معنای مراقبت و توجه به خداوند است.

لذا آنچه که در نظر آخوند مهم می آید فکر در مبدا و معاد انسانی است و خود ایشان هم با فکر ظاهری و بدون تعمق مخالف است. بر مبنای دیدگاه وی فکر دل برتر از فکر سر است. بدیهی است برای ایجاد شناخت، باید میان عالم و معلوم سنخیت وجود داشته باشد یا عالم بر معلوم محیط باشد. براین اساس می توان چنین تبیین کرد که فکر دل صورت ارتقا یافتهٔ فکر سر است که توسط ذکر قوت یافته و از غیب مدد گرفته است. کلمهٔ فکر و مشتقاتش در روایات گاه به معنای مراقبت و فکر سلوکی و توجه باطنی به کار رفته است.

در روایتی از امام جواد علیه السلام آمده است:

«آهنگ کردن به سوی خداوند با دلها از به زحمت واداشتن اعضا و جوارح با عمل رساننده تر است».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود:

«آنگاه که مردم با انواع کارهای خیر به سوی خدا تقرب میجویند، تو با تفکر به سوی خدا تقرب بجو، از آنان پیشی میگیری». این روایات بر همان مراقبت و توجه باطنی تأکید دارد. همان که اگر باشد اگرچه ورد نباشد، مؤثر است و اگر نباشد اگرچه ورد باشد، غیر مؤثر بلکه مضر است.

در برتری فکر بر ذکر نسفی ذکر را مرکب سالکان ارضی و فکر را براق سالکان سماوی می نامد و اثر و خاصیت فکر را در تصفیل و تنویر دل سالکان بسیار بیشتر از ذکر می داند (نسفی، ۱۳۸۶: ۲۳۵).

غزالی بعد از بیان اینکه همهٔ اعمال از فکر سرچشمه می گیرد نتیجه می گیرد که فکر برتر از ذکر است زیرا در فکر، ذکر نیز وجود دارد: ... و این است آنچه فضیلت تفکر را روشن کند و معلوم گرداند که به از ذکر و نذکر است چه در فکر ذکر است و زیاده، ذکر دل به از عمل جوارح، بلکه شرف عمل از آن است که در او ذکر است. پس اکنون تفکر فاضل تر از همهٔ علم هاست (غزالی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۷۵۳)

### ج - چند حدیث در ارزش و آثار تفکر:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: فِكْرَةٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَنَةٍ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله - فرمود: ساعتی اندیشه کردن بهتر از یک سال عبادت است. (در احادیث دیگر تا هفتاد سال نیز بیان شده است).

قال الامام علی - علیه السلام: لَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكْرِ فِي صَنْعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

امام علی علیه السلام - فرمود: هیچ عبادتی مانند اندیشیدن در صنع (خلق) خدای عزوجل نیست.

قال الامام علی علیه السلام: تَمِيزُ الْبَاقِي مِنَ الْفَانِي مِنَ أَشْرَفِ النَّظَرِ.

امام علی علیه السلام فرمود: تمییز دادن و تشخیص امور ماندنی از امور فانی و رفتنی، از برترین اندیشه هاست.



امام علی علیه السلام فرمود: اندیشه در عواقب امور (انسان را) از افتادن در مهلکه‌ها نجات می‌دهد. امام حسن علیه السلام فرمود: شما را به تقوای الهی و اندیشیدن مدام سفارش می‌کنم، زیرا که اندیشیدن پدر و مادر همه خوبیهاست.

قال الامام الكاظم - عليه السلام: ... إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَ دَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيَّةٌ وَ مَطِيَّةُ الْعَقْلِ التَّوَضُّعُ ... .

امام کاظم علیه السلام فرمود: ... برای هر چیزی دلیل (و نشانه‌ای) وجود دارد و دلیل عقل تفکر است و دلیل تفکر سکوت است و برای هر چیزی مرکبی است و مرکب عقل تواضع است.

### تعامل و ارتباط مداوم فکر و ذکر با یکدیگر :

آخوند هردنگی برای بروز و ظهور ذکر، باطنی جز تفکر در مبدا و معاد قائل نیست و بر همین مبناست که نسفی فکر را کار اندرون و ذکر را کار بیرون خوانده است (نسفی، ۱۳۸۶ : ۱۸۵). برخی فکر و ذکر را مستلزم یکدیگر می‌دانند و بیان می‌کنند که سالک بدون هماهنگی این دو به مقصد نمی‌رسد. برخی دیگر برای بروز و ظهور ذکر، باطنی جز تفکر قائل نیستند (اسکندری، ۱۴۲۴ ق : ۱۱۳). خواجه عبدالله انصاری سی امین میدان سلوک را ذکر می‌داند و آن را نتیجه فکر بر می‌شمارد (انصاری، ۱۴۲۸، ۱ : ۲۸۰).

### نتیجه گیری :

فکر و ذکر از موضوعات مهم در سنت اول عرفانی محسوب می‌شوند. فکر در آرای عرفای سنت اول جایگاه ویژه ای دارد و بر اساس محل و موضوع آن به مراتب و انواعی دسته بندی شده است. از نظر مجاری فکر نیز دسته بندی های گوناگونی از فکر در سنت اول عرفانی ارائه شده است. برای مثال خواجه عبدالله فکر را سه نوع دانسته : در عین توحید، فکر در لطائف صنع خدا و فکر در معانی اعمال و احوال. آخوند هردنگی از جمله عرفایی است که پیرو سنت عرفای اول نبوده و تفکر در مبدا و معاد را برتر از ذکر می‌داند که در این خصوص می‌توان تفکرات وی را در برابر عرفایی چون عطار نیشابوری قرار داد. بر اساس آیات و روایات مختلف و حتی فقط تفکر در مخلوقات خداوند علی رغم نداشتن اعتقاد به وحدانیت انسانهای زیادی بوده و هستند که مسیر زندگی آنها تغییر یافته و موحد گشته اند. لذا از این نظر می‌توان ذکر را مختص به خداپرستان و بالاخص مسلمانان دانست و تفکر عمیق را مختص به تمام مخلوقات. بر اساس نظر آخوند هردنگی تفکر فرصتی است که خداوند به تمام انسانها داده تا در هر مرحله از زندگی و بر اساس درک و وسعت فکری خود بتواند در مسیر سلوک به وحدانیت و خداشناسی قرار گیرند.

### منبع

اسکندری، احمد بن عطاء الله. ۱۴۲۴ قمری، اللطائف الإلهیة فی شرح مختارات من الحکم العطائی، تحقیق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

انصاری، زکریا بن محمد. ۱۴۲۸ قمری، نتائج الأفكار القدسیة فی بیان شرح الرسالة القشیری، تحقیق عبد الوارث محمد علی، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

- جلیلی، ح و غوث، ک و حسین زاده، س و مالکی س. ۱۳۹۶، ملا محمد حسن هردنگی (مجتهدی در سایه تاریخ)، علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۱، زمستان، ص ۱۶ - ۲۸.
- راشد، م ت، ۱۳۴۲، بحث در آثار شش نویسنده قهستان، پایاننامه کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد.
- راشد محصل، م ت، ۱۳۳۶، معرفی آخوند ملا محمدحسن هردنگی، روزنامه آفتاب شرق، دوم آبان ماه:
- راشد محصل، م ت، ۱۳۹۲، معرفی یک عقدنامه، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، سال نهم، ش اول، پیاپی ۹۹ زمستان : ۱۹۹-۲۰۲.
- رضائی علی، ۱۳۹۳، سیر و سلوک (طرحی نو در عرفان عملی شیعی)، ناشر: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رئسی، احسان، ۱۳۹۴، جایگاه و نحوه تعامل فکر و ذکر در سنت اول عرفانی، پژوهشنامه عرفان، دو فصلنامه، سال نهم، شماره هجدهم: ۷۳ تا ۹۳.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، ۱۳۸۵، مصیبت نامه، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ هفتم، تهران: سخن.
- علیزاده بیرجندی، ز، ۱۳۹۱، عالمان دین در خراسان جنوبی، تهران: فکر بکر.
- علیزاده بیرجندی، ز؛ عباسلو، س؛ الهی زاده، م ح، ۱۳۹۲، جایگاه اجوبه های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، سال هفتم، ش تابستان: ۲۹ - ۵۲.
- غزالی، محمد، ۱۳۸۳، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، چاپ پنجم، تهران: علمی فرهنگی.
- غوث، ک، ۱۳۹۷، محمد حسن هردنگی (احیا کننده موقوفات و بقاع متبرکه). به سفارش اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، فکر و بکر. تهران.
- غوث، ک، ۱۳۹۱، گنج نامه ناحیه هردنگ، تهران: فکر بکر.
- نسفی، عزیز بن محمد، ۱۳۸۶، مجموعه رسائل، چاپ هشتم، تهران: طهوری.
- هردنگی، م ح، ۱۳۰۲، تاملات کلامیه، تصحیح و تحشیه تولوی، ع. م، ۱۳۹۶، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.